خلاصه مقاله «مجادله با اهل کتاب»

مفهوم این آیه و آیات مشابه این آیه ده‌ها بار در قرآن کریم تکرار شده است. هدف آن تلاش برای به وجود آوردن نوعی گفت‌وگوی آرام با اهل کتاب است که با گفت‌وگویی که مسلمانان با مشرکان یا کافران یا ملحدان دارند، متفاوت باشد.

انسان مؤمن دو موضع دارد؛ موضعی نسبت به مؤمنان به خدا و موضعی نسبت به غیرمؤمنان به خدا. دربارهٔ غیرمؤمنان به خدا، وظیفهٔ مسلمانان از سورهٔ توبه فهمیده می‌شود. دربارهٔ مؤمنان به خداوند نیز اصول یکی است و نقطهٔ آغاز یکی است و اصول کلی سلوک نیز یکی است. درنتیجه چیزی جز برخی جزئیات باقی نمی‌ماند. درنتیجه اهل کتاب از جانب انسانِ مسلمان مستحق چیزی جز «جدال احسن» نیستند، نه ضربه و نه طعنه، نه جنگ و نه قطع رابطه و نه حتی درشتی و خشونت در بحث. و حتی بیشتر از این، بر ماست که بگوییم: همهٔ ما تسلیم‌شدگان به خداوندیم.

حقیقت این است که معنای اسلام در قرآن کریم، با اصطلاح شایع «اسلام» نزد مردم تفاوت دارد. اسلام نزد مردم یعنی دین حضرت محمد(ص). اما اسلام در قرآن کریم دین خداوند و به معنای تسلیم خداوند بودن است. به همین علت، دعوت همهٔ انبیا، دعوت حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد، همه در قرآن کریم «اسلام» نامیده شده است.

بنابراین، انسان مؤمن جز با جدال احسن نباید با اهل کتاب برخورد کند. فقط یک استثنا در مورد اهل کتاب وجود دارد: «با اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه‌ای مجادله مکنید مگر با آن‌ها که ستم پیشه کردند.» زیرا قرآن کریم ظلم را برنمی‌تابد و آن را بدترین معصیت‌ها و شدیدترین گناهان و بزرگ‌ترین کبیره‌ها می‌داند. ظلم اگر از جانب مسلمانی نسبت به مسلمان دیگر باشد، بر تافتنی نیست چه برسد به اینکه از جانب غیرمسلمان باشد. به گمان من با اینکه در میان مسیحیان نیز برخی ظلم می‌کنند، ولی مراد قرآن اینجا یهود است. زیرا قرآن کریم در سورهٔ جمعه دو بار آن‌ها را «ظالم» خوانده است.

وظیفهٔ مسلمانان در برابر مسیحیان سخن گفتن به نیکوترین شیوه است؛ همکاری و محبت و پذیرش اسلام واحد و همچنین، گفت‌وگو به بهترین شیوه دربارهٔ جزئیات. اما آنان که ظلم می‌کنند و همچنین، یهودیان و ملحدان، به تعبیر قرآن کریم گروه دیگری به حساب می‌آیند.